

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۳۱ مارچ ۲۰۱۳

## هوشدار جدی به نسل جوان و برومند افغان و اعضای جنبش چپ انقلابی افغانستان!\*

از زمانی که انگلیس ها در نیم قاره هند بودند تا اکنون، که در جوار مرز ما، طبقات حاکمه پاکستان به مثابه فرزندان صدیق دولت انگلیس سیاست های آن کشور را پیش می برند، یکی از رسوا ترین سیاست های آنها، پرورش مثنی جاسوس و ضد کشور و مردم افغانستان، از میان عده ای فراری و یا هم خائنین به کشور ما بوده است، تا در موقع ضرورت از آنها علیه منافع عالیای کشور ما استفاده نمایند. در همین مناسبت، بعد از آن که کودتای منحوس ثور و تجاوز شوروی بر افغانستان صورت گرفت، فرزندان راستین انگلیس، موقع را مناسب دانسته در کنار آن که بر فراری ها و جواسیس سایر اقوام و ملیت ها رنگ و لباس افغانستان زیور بدن آنها گردانیده شد، در کویت پاکستان، توسط جواسیس سابقه دار و اعضای قابل اطمینان «آی. اس. آی» از قماش «حاجی برکت» و «وکیل مقصودی» که اولی تابعیت پاکستان و دومی تابعیت افغانستان را داشت، در بین ملیت زحمتکش و دلیر هزاره با هزار نیرنگ و با بدل میلیونها دالر «آی. اس. آی.» برای خود جای باز نمود.

این دو مزدور امپریالیسم و نوکران قلاده به گردن «آی. اس. آی.» در ساحة کار شان بین ملیت هزاره، صرف از نظر تعلق و یا گرایش اعتقادی، بابلند کردن عکس و بیرق چنگیز قاتل خلقهای افغانستان و خلقهای منطقه، با صراحت کامل مبلغ و مبشر سیاست های نژادگرایانه و راسیستی شده، چه بین نیروهای راست آن ملیت و چه هم بین به اصطلاح نیروهای چپ آن، جهت تجزیه افغانستان سرمایه گذاری نموده، آنها را به دنبال سیاست های تفرقه افگانه و نژاد پرستانه راهی ساخت. این که چگونه تعدادی از عناصر شریف و میهن دوست ملیت هزاره که خود را افغان دانسته، نوکری پاکستان و «آی. اس. آی.» را بر خود ننگ می دانستند، توسط این مزدوران با حيله های گوناگون از میدان کنار زده شده اند، داستانیست غم انگیز، که در زمان خودش خواهم کوشید تا از آنها با جزئیات نام ببرم، مگر خلاف مغضوبین «آی. اس. آی.» کسانی که به نوکری آن گردن گذاشتند، چه چپ و چه راست، در پناه مصونیت «آی. اس. آی.» گرفته شدند. که بزرگترین نمونه آن را می توان در به اصطلاح «حزب کمونیست – مائویست- افغانستان» مشاهده نمود.

از چند سالی به این طرف، عده ای از هزاره های به اصطلاح روشنفکر تحت نام «حزب کمونیست- مائویست- افغانستان» در کویت پاکستان در زیر نظارت و سرپرستی استخبارات پاکستان «آی. اس. آی.» فعالیت دارند و نشریه

ای را به اسم «شعله جاوید» منتشر می سازند؛ همچنان یک عده دیگر از آنها در هالند تحت نامهای مختلف از جمله «مائویست های افغانستان» و اینک « سازمان کارگران افغانستان م.ل.م.» در سایت انترنتی به نام «شورش» مشغول لجن پراگنی می باشند!!!

این عوامل «آی. اس. آی.» که با «واواک» ایران نیز ناف شان پیوند خورده است، خویش را شعله ئی معرفی داشته و هویت شان را «افغانستانی» و «مائویست» معرفی می کنند و مدت سه دهه می گردد که بعد از سالها خدمت برای روسها به انجو های اروپائی پیوسته و حالا بطور مستقیم از استعمار فرمانبرداری می نمایند.

از یکسو مدعی مارکسیزم-لنینیزم و «مائویسم» اند و از جانب دیگر چنگیز را پیشوای بزرگ شان و «مزاری» جلا د را «بابا» خطاب نموده و از جانب دیگر جهت تاریخ سازی دروغین گستاخانه ادعا می کنند که گویا مولانای «بلخ» نیز هزاره بود و مضحکتر از همه اکرم «یاری» را مائو تسه دون قرن پنداشته و خلاصه آسمان و زمین را و همه ای جنبندگان را هزاره می بینند و مهر هزارگی می زنند!!!

تا به حال در تاریخ دیده نشده است که سوسیالیست و یا کمونیستی اینقدر به مسائل ملیتی اهمیت قائل شود!!! آنها تا به درجه که پائین ترین افشار و طبقات سایر ملیت ها را دشمن معرفی بداند.

جوانان و انقلابیون!

این پرازیت های زرد هیچ گاهی شعله ئی نبوده و هیچ سندی موجود نیست که عضویت (شعله جاوید) را داشته باشند؛ بناءً این عوامل ایران- پاکستان و استعمار به خاطر بدنام ساختن جریان دمکراتیک نوین افغانستان (شعله جاوید) بنابر دستورات بادران خارجی شان قدم گذاشته تا این مظهر بالندگی و جریان انقلابی، وطنپرست و صادقی را که در قلب میلیونها افغان جا داشته و دارد، به صوب سرآشویی و بدنامی سوق دهند!!!

هموطن!

جریان (شعله جاوید) توسط محافل گوناگون مگر بر پایه اعتبار مبارزاتی «محمودیها» ایجاد و بنیانگذاری شده است و در مدت کوتاه عمرش افتخارات زیادی را آفرید و اما در زمان حکمرانی داوود خان از هم پاشید. بعد از کودتای منحوس هفتم ثور ۱۳۵۷ خورشیدی و تجاوز فاشیسم عربیان روسها بر مهد آزادگان، سازمانهای سیاسی و نظامی از بقایای (شعله جاوید) در عرصه مبارزه در جهت دفاع از میهن و مردم ظهور نمود که با رزم و جانفشانیهای شان خواب طلائی خرسهای قطبی روسی را به خاطر دستیابی به آبهای گرم اقیانوس هند ربود و کاخ کرملین را به وحشت و لرزه افکند. (ساما) و سازمان (رهائی) از سازمانهای عمده و طراز نوین جنبش مقاومت ملی بودند.

حالا پرازیت های زرد هزاره ایست، چنگیزیست و انجویست از اروپا و کوئته خویش را به مثابه میراثداران و میراخواران (شعله جاوید) معرفی می دارند تا بتوانند این میراث غرور آفرین نسلی از عناصر و محافل انقلابی را که «محمودیها» در رأس شان قرار داشت، مهر هزارگی زده و در مرداب چنگیزیم دفن کنند؛ زهی حماقت و بی ناموسی عربیان!

جوانان و انقلابیون!

با شناخت قبلی از این اپورتونیست های هزاره ایست و درک علمی از حرکات کجدار و مریز این وابستگان و واماندگان فاشیست و سکتاریست، این مسؤولیت را قبول و به دوش می کشم و با صراحت لهجه این هزاره ایست های چنگیزیست را دشمنان واقعی (شعله جاوید)، افغان و افغانستان و ملیت زحمتکش و دلیر هزاره دانسته و در جهت افشای ماهیت پلید ارتجاعی شان نهایت کوشا می باشم. خواهش من این است که شما این سگان عار و قوله کش را بشناسید و در راه افشاء و رد شان همت گمارید. از قبل باید نوشت:

موضعگیری علیه این مثنی مزدور، به هیچ صورت به معنای دشمنی با کلیت ملیت هزاره نمی باشد، بلکه افشاء و راندن این مثنی مزدور، در واقع دفاع از آن هزاره های زحمتکش و دلیری است، که جان داده اند، اما دست شان را به دشمن دراز ننموده اند.

#### **یادداشت:**

\* - این نوشته نخست در فیس بک شخصی خودم گذاشته بود، اینک بعد از ویراستاری مجدد به نشر می رسد.